

منشور امنیت پایدار، در مکتب علوی (بازخوانی امنیتی عهدنامه مالک اشتر)

نویسندگان: یحیی میار^۱

حسین علی رمضانی^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال چهاردهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۶

چکیده

امنیت و چگونگی دستیابی و تأمین آن، همواره یکی از مسائل اساسی مورد توجه حکومت‌ها می‌باشد و امنیت پایدار، وضعیتی است که می‌تواند جوامع را برای پیشگیری از تهدیدات و یادفاع در برابر آن، توانمند کند و ناامنی را کاهش دهد. در این راستا، مکتب و مشرب فکری کارگزاران اداره جامعه، موضوعی اساسی و درخور توجه، قلمداد می‌گردد. بهره‌گیری از سنت و سیره بزرگان دین، برای کارگزاران نظام اسلامی، در اداره جامعه و حوزه امنیت می‌باشد. نهج البلاغه، تصویری جامع و کامل در این خصوص ارائه نموده است که یکی از فصول درخشان آن، عهدنامه مالک می‌باشد. از منظر امام علی ۷ تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در جامعه، از انگیزه‌های قیام صالحین و یکی از وظایف دولت اسلامی است و در عهدنامه مالک، وظیفه حکومت را اصلاح امور مردم، عمران و آبادانی شهرها و حفظ مرزهای اسلامی اعلام می‌دارد. این مقاله، با نگاهی به سیره امام علی ۷ و محور قرار دادن نامه ۵۳ نهج البلاغه، به عنوان منشور حکومت‌داری، ضمن اشاره به وظایف حکومت در برقراری امنیت، به تبیین و برشماری مؤلفه‌های امنیت پایدار در مکتب علوی پرداخته است. مؤلفه‌های امنیت پایدار از نگاه این تحقیق، شامل: رحمت‌گرایی و مهرورزی، گذشت و بزرگواری، شفاف‌سازی، اجازه انتقاد و اعتراض، عیب‌پوشی، رسیدگی به محرومان، شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، انصاف‌ورزی، استقرار عدالت، پاسداشت حقوق گروه‌های اجتماعی، نظارت بر بازار، نظارت، بازرسی و پیگیری می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت پایدار، مکتب علوی، عهدنامه مالک اشتر، نهج البلاغه.

Email: yahyama77@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری مطالعات راهبردی دفاعی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

Email: dostaredanesh@gmail.com

۲. دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین ۷.

از زمانی که بشر، پا به عرصه وجود گذاشت، امنیت^۱، همواره ضروری‌ترین نیاز انسان، در زندگی فردی و اجتماعی بوده است. امنیت، به معنی احساس آرامش جامعه و نداشتن دغدغه در پیگیری اهداف و مقاصد عالی خویش است. هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است (سالار، ۱۳۸۲). امنیت، موجب آسودگی و خاطر جمعی و ضمانت زندگی در آسایش است (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۵۸). امنیت و چگونگی دستیابی و تأمین آن، همواره یکی از مسائل اساسی مورد توجه حکومت‌ها بوده است. هر نظامی، برای حفظ و بقای خود، نیازمند ثبات و نظم درونی و بیرونی است که از عوامل مهم این ثبات، وجود امنیت در ابعاد مختلف آن جامعه، نظیر: سیاسی، دفاعی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است. فقدان امنیت، بیشترین مشکل را برای حفظ و بقای این نظم و در نتیجه، برای نظام سیاسی به وجود می‌آورد. بدون امنیت، ابعاد دیگر زندگی، چندان معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند. باید حالتی به وجود بیاید که در آن، افراد جامعه، احساس آرامش نموده و منافع خود و حکومت را یکی بدانند. بر این اساس، امنیت پایدار، متضمن شرایطی است که در چارچوب آن، دولت‌ها به حقوق شهروندی، احترام بگذارند. امنیت پایدار، می‌تواند جوامع را برای پیشگیری از تهدیدات و یا دفاع در برابر آن، توانمند کند و ناامنی را کاهش دهد، در هر جامعه و کشوری که مردم، منافع خویش را گره خورده و عجین با حکومت احساس کرده‌اند، امنیت آن کشورها، از پایداری برخوردار گشته است.

در اسلام، راجع به این موضوع، مطالب فراوانی به چشم می‌خورد، یکی از دوره‌های ارزشمند تاریخ اسلام، مربوط به حکومت امام علی ۷ است. حضرت علی ۷ در دوران حکومت خود که نهج‌البلاغه، تصویری از آنچه در آن حکومت، گذشته را نشان می‌دهد، جامع‌ترین و کامل‌ترین حکومت را ارائه فرمود و در هیچ بُعدی، نمی‌توان نظریات امروز را از آنچه در حکومت آن حضرت، مطرح بوده و اتفاق افتاده، جامع‌تر دانست. تنها ذکر یک نمونه، کافی است و آن اینکه فرمان حکومتی امام علی ۷ به مالک اشتر به عنوان یکی از کارگزاران حکومت امام، آن قدر جامع است که هنوز بدیلی برای آن یافت نشده است. از برکات حکومت محدود و کوتاه امیر مؤمنان علی ۷ میراث گران‌بها و ذخیره پایان‌ناپذیر سخنان و سیره آن امام برای شناخت ابعاد گوناگون حکمرانی، مدیریت و سیاست‌ورزی است (علی‌اکبری، ۱۳۸۹: ۱۶) که در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، گردآوری شده است. سندی که بیش از صدها اثر شگرف، از آثار اندیشه‌های والا و سترگ علی ۷ اعم از خطبه، حدیث، نامه، وصیت‌نامه، موعظه، کلمات قصار، فرمان‌های حکومتی، تفسیر

1. Security.

قرآن و صدها دستور انسان‌ساز و قوانین زندگی‌بخش، در کنار هم قرار گرفته است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱).

یکی از فصول درخشان نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک است. امام علی ۷ در این نامه، گرچه مالک اشتر را مخاطب قرار داده و قوانین حکومت عدل اسلامی و خط‌مشی و چارچوب آن را خطاب به او بیان فرموده است، اما واقعیت آن است که تمام انسان‌ها، در تمام مکان‌ها و تمام زمان‌ها، مخاطب این پیمان‌نامه هستند. سفارش‌هایی که آن حضرت، در این نامه خطاب به مالک اشتر و در واقع، خطاب به انسان و تاریخ بشریت بیان فرموده است، هرگاه به‌درستی و به‌طور کامل اجرا شود، نه تنها ضامن ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی و امنیت زندگی و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه است، بلکه بالاتر از آن، عامل مهمی است که در جامعه انسانی، زمینه‌های مساعدی را ایجاد می‌کند تا تمام افراد اجتماع، با علم و آگاهی و درک و ایمان، به خودسازی اسلامی بپردازند و چنان خود را از رذائل و مفاسد پیراسته گردانند که همگی به صورت بندگان مؤمن و صالح برای خدا درآیند و راه نجات و رستگاری را طی کنند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۳-۲). این نوشته، با نگاه به این سند ارزشمند و توجه به موضوع امنیت و بررسی اسناد و مدارک و نوشته‌های صاحب‌نظران، شاخص‌هایی را احصاء نموده است که اگر حکومت به آن‌ها توجه نماید، منجر به امنیت پایدار خواهد شد.

۲. بیان مسأله

با پیروزی انقلاب اسلامی که بر اساس باورها، اعتقادات و ارزش‌های دینی و اسلامی مردم، نظام جمهوری اسلامی برقرار گردید. طبیعی بود که آموزه‌های دینی و سیره عملی زمامداران دینی در اداره جامعه مورد توجه کارگزاران قرار گیرد. از جمله منابع مورد توجه مسئولین و کارگزاران، استفاده و بهره‌گیری از سیره امیرالمؤمنین ۷ برای اداره جامعه بود. یکی از برکات حکومت محدود و کوتاه‌امیرمؤمنان علی ۷، میراث گران‌بها و ذخیره پایان‌ناپذیر سخنان و سیره آن امام، برای شناخت ابعاد گوناگون حکمرانی، مدیریت و سیاست‌ورزی است که در قالب نهج‌البلاغه، گردآوری شده است و بیش از صدها اثر شگرف، از آثار اندیشه‌های والا و سترگ علی ۷ اعم از خطبه، حدیث، نامه، وصیت‌نامه، موعظه، کلمات قصار، فرمان‌های حکومتی، تفسیر قرآن و صدها دستور انسان‌ساز و قوانین زندگی‌بخش در کنار هم قرار گرفته است. یکی از مسائل اساسی و حیاتی هر جامعه که همواره مورد توجه حکومت‌ها می‌باشد، برقراری امنیت بوده و بر دیگر شئون جامعه، تأثیر به‌سزایی دارد. لذا در این خصوص، بر مسئولان و کارگزاران نظام فرض است که در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود در برقراری امنیت پایدار به توصیه‌ها و دستورالعمل‌های

اداره جامعه در سیره حکومتی امیرالمؤمنین ۷ توجه نموده و آن‌ها را سرلوحه کار خویش قرار دهند. یکی از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های ارزشمند امیر مؤمنان علی ۷ عهدنامه مالک می‌باشد. حضرت در این نامه، مالک را به انجام اموراتی فرمان می‌دهد که اجرای آن‌ها متضمن حیات و سعادت جامعه است. بنابراین، جهت دستیابی به نکاتی که ناظر بر مؤلفه‌های امنیت پایدار می‌باشد، لازم است در قالب یک فعالیت علمی و قاعده‌مند مؤلفه‌های امنیت پایدار از لابلای این فرمان احصاء و برشماری گردد. از این منظر، «استخراج مهمترین مؤلفه‌های امنیت پایدار از عهدنامه مالک اشتر» مسأله‌ای است که در این پژوهش، دنبال می‌شود.

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

امیر مؤمنان علی ۷ در فرازی از خطبه ۱۳۱، تأمین امنیت و آرامش در جامعه را از اهداف والای حکومت صالحان می‌شمارد و می‌فرماید: «وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ. فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ». «و (حکومت را بدان جهت پذیرفتم تا) شهرهای تو را اصلاح نمایم؛ تا مگر بندگان تحت ستمت را ایمنی بخشم (عابدینی مطلق، ۱۳۸۷: ۵۵۹). حکومت امیرالمؤمنین ۷ که همواره به عنوان مترقی‌ترین حکومت‌های طول تاریخ بشر، به شمار می‌رفته و از جهات گوناگون، الگوی حکومتی متعالی است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۴)، می‌تواند در این عصر نیز سرلوحه حکومت‌ها و اداره جوامع قرار گیرد. لذا مطالعه و پژوهش قاعده‌مند در این منبع غنی مدیریتی، با هدف استخراج آموزه‌های ارزشمند، جهت اداره جامعه، یکی از ضرورت‌های جامعه بشری است. یکی از فرازهای درخشان تاریخ حکومت‌داری در اسلام که مربوط به دوران امام علی ۷ می‌باشد، حاوی دستورالعمل‌هایی است که در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، مکتوب شده است و یکی از فصول درخشان آن، عهدنامه مالک اشتر است که تمام انسان‌ها، در تمام مکان‌ها و همه زمان‌ها، مخاطب آن هستند. سفارش‌هایی از آن حضرت که هرگاه به درستی و به‌طور کامل اجرا شود، ضامن ایجاد و حفظ عدالت اجتماعی و امنیت زندگی و آرامش خاطر و آسایش مردم جامعه است. از آنجایی که یکی از دغدغه‌های همیشگی انسان‌ها در طول تاریخ در مسیر اداره جامعه، امنیت و راه‌های کسب امنیت بوده است، نمی‌توان به آن بی‌توجه بود. استخراج و به‌کار بستن آراء و نظرات اندیشمندان و صاحبان مکاتب سیاسی، برای اداره جامعه و به‌سر منزل مقصود بردن آن، حائز اهمیت است؛ ضمن اینکه، توجه به این نکته از نگاه دینی که متصل به منبع دستورات الهی است، ضرورتی مضاعف می‌یابد. بنابراین، بررسی و تحقیق علمی به منظور استخراج نکات ارزشمند در موضوع امنیت و زیر شاخه‌های آن برای حکومت اسلامی و جامعه دینی، اهمیت دارد. بر این اساس، استخراج مؤلفه‌های امنیت پایدار از

نگاه امام علی ۷ در عهدنامه مالک، مهم بوده و بیانگر ضرورت انجام این تحقیق است.

۴. هدف تحقیق

برشماری واحصاء مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت پایدار از عهدنامه مالک اشتر.

۵. پرسش تحقیق

مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت پایدار از منظر امام علی ۷ در نامه عهدنامه مالک کدام است؟

۶. کلیات و مفاهیم

۶-۱. امنیت^۲

مفهوم امنیت برای ما مفهوم آشنایی است؛ زیرا در زندگی روزانه با آن سروکار مستمر داریم. آدمیان در موقعیت‌های گوناگون با امنیت درگیر هستند (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۱۹). امنیت، اولین و ضروری‌ترین نیاز انسان در زندگی فردی و اجتماعی، احساس آرامش جامعه و نداشتن دغدغه در پیگیری اهداف و مقاصد عالی خویش است. کلمه امنیت، ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. واژه «امن» یعنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش، امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسویی یا حالتی که در آن گزند و خطر و آسیب، راه ندارد و آرامش در آن، برقرار است. امنیت به معنی حراست از یک فرد، جامعه، ملت و یک کشور در برابر تهدیدهای خارجی است و نقطه مقابل «تهدید» به شمار می‌رود، هر کشوری که بتواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل را از میان بردارد، به آسایش و امنیت رسیده است (سالار، ۱۳۸۲). بدون شک، زندگی آرام و دیدن روی آسایش، وابسته به وجود امنیت در جامعه است و امنیت از نیازهای اولیه زندگی انسان به‌شمار می‌آید. به دلیل جایگاه رفیع و نقش مهم امنیت در زندگی انسان، خداوند عالم یکی از نشانه‌های تمدن و رشد اجتماعی امم گذشته را وجود امنیت در زندگی آن‌ها نام برده است (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۴۰). امنیت، عبارت است از تضمین و تأمین زندگی با ایجاد تدابیر و تمهیدات لازم. امنیت، یعنی ایجاد سرپناه و مأمنی برای زندگی. امنیت، پیلۀ حمایتی و محافظتی است که موجب آسودگی و خاطر جمعی می‌شود. امنیت، ضمانت زندگی در آسایش است (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۵۸). حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آن‌ها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقاء مادی و معنوی به حساب می‌آید (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۲۱۱). امنیت در فرهنگ علوی، مفهومی عمیق و گسترده دارد و ابعاد وجودی انسان‌ها را پوشش می‌دهد و دنیا و آخرت را شامل می‌شود

1. Components

2. Security

(همان: ۲۲۷). امیرالمومنین علی ۷، تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالیه امامت می‌داند و در عهدنامه مالک، ضمن تأکید بر انعقاد صلح برای تأمین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدید کننده امنیت را توجیه می‌کند و صلح، از آن جهت از سوی امام مقدس و مطلوب به حساب آمده که راهی برای برقراری امنیت است (مظلوم، ۱۳۸۸: ۱۸۵). علی بن ابی طالب ۷ زمانی که هدف‌های برپایی حکومت را برمی‌شمارد، در کنار پیاده شدن احکام الهی که یک هدف مقدماتی است، مسأله امنیت، مظلومین جامعه را به عنوان هدفی دیگر مطرح می‌کند که معنا و مفهوم آن، مصونیت مظلومین از تعرض و تجاوز به حقوقشان می‌باشد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۳۳).

۶-۲. امنیت پایدار

امنیت پایدار^۱ امنیتی است که همه عوامل، به طور پیوسته به کار گرفته می‌شوند تا ارزش‌های اساسی مورد هجوم واقع نشوند و در صورت وقوع تهاجم، اعم از فرهنگی، سیاسی یا نظامی، این ارزش‌ها، فدای کسب صلح نگردند و از آن‌ها دفاع شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). امنیت پایدار یکی از مفاهیم جدید چند دهه اخیر مباحث امنیتی می‌باشد. استفاده از نیروهای مردمی از محوری‌ترین ابزارهایی است که نقش بسیار مهم در امنیت پایدار دارد و این، زمانی محقق می‌شود که پیوند میان مردم و حکومت از استحکام و پایداری لازم برخوردار باشد. در هر جامعه و کشوری که مردم منافع خویش را گره خورده و عجین با حکومت و ضرر به حکومت را ضرر به خود احساس کرده‌اند، امنیت آن کشورها، از پایداری برخوردار گشته است. اما وقتی میان حکومت و مردم، فاصله وجود داشته باشد، متعلق‌های حکومت، جدا از مردم پنداشته شود، منافع حکومت، جدا از مردم تعریف گردد، امنیت در آن جامعه، شکننده خواهد بود. این احساس انطباق و همگونی، وقتی ایجاد می‌گردد که هم حکومت تلاش ورزد نیازهای مردم را بشناسد و در صدد برآورده کردن آنان باشد و هم مردم تنگناهای حکومت را بشناسند. امنیت پایدار، می‌تواند جوامع را برای پیشگیری از تهدیدات و یا دفاع در برابر آن توانمند کند و ناامنی را کاهش دهد. امنیت پایدار، متضمن شرایطی است که در چارچوب آن دولت‌ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۹).

امنیت پایدار رویکرد جدید، ترکیب تجربه، علم، هنر و همگرا کردن تخصص‌ها و دانش‌های مختلف مرتبط با موضوعات گوناگون است، پس امنیت پایدار، مجموعه‌ای از اقدامات معین بوده و در بسیاری از این موارد، خاص بودن و ناشناخته بودن آن‌ها باید گرایشی ابتکاری، ابداعی و خلاق در همگرا کردن دانش‌ها و تخصص‌های متنوع مرتبط باشد (Bernestineand, 2011: 44). یک نظام امنیتی پایدار و قابل دوام، نظامی است که

1. Permanent security.

به غایت، حالت در برگیرندگی دارد و در تلاش برای جذب و همگونی ارزش‌ها، اهداف سیاسی، منافع دولتی و مانند آن است (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۹).

به بیان دیگر، امنیت پایدار، برداشتی جامع و فراگیر و چیزی بیش از صرف دفاع در معنای نظامی آن توسط ارتش و قوای نظامی است و موضوعات سطح فردی امنیت با سطح امنیت منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی امنیت، در عرض و در افقی همزمان و هم‌پوش باید ملاحظه گردد و دامنه امنیت، علاوه بر ابعاد سخت‌افزار، از موضوعات اندیشه، آرمان و ایدئولوژیکی تا هویت و فرهنگ و اقتصاد و محیط زیست و از مرزها تا منافع ملی را شامل می‌گردد. امنیت، مفهومی پیچیده با ابعادی نسبتاً گسترده، تصور می‌گردد که دفاع سنتی در برابر تهدیدات و آمادگی و الزامات آن، باید با برداشت نوین از تهدیدات و تغییرات نوظهور محیط امنیتی و آثار و الزامات آن جایگزین شود (Foster and Wise, 1999: 21-22). اما به‌طور خلاصه، مفهوم امنیت به نبود تهدیدات نسبت به ارزش‌های کمیاب اشاره دارد (متقی، ۱۳۷۸: ۵).

در امنیت پایدار، صحبت از تثبیت گزاره‌های مؤثر در ثبات و بقاء کشور، طی بازه زمانی بلند مدت است. گسترش آگاهی و مشارکت در سطح افقی در جامعه و نظارت از بالا (عمودی) مؤثر می‌باشد. این موارد، مجموعه عوامل فراهم‌کننده امنیت پایدار در سطح ملی هستند که دشواری‌های داخلی و چالش‌های خارجی، بنیان‌های آن را، به آسانی، به لرزه در نخواهد آورد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۴).

۳-۶. واحد استاندارد امنیت

از نظر صاحب‌نظران علوم سیاسی «والتر پیمن و ولفرز» در نظام بین‌المللی، واحد استاندارد امنیت، «دولت دارای حاکمیت و قلمرو» است و از این‌رو، خود به پنج مقوله امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی که البته جدا از یکدیگر عمل نمی‌کند، تقسیم می‌شود. با این بیان، نظریه پردازان سیاسی، دولت را منشأ اصلی تهدید و نیز عامل اساسی امنیت افراد می‌دانند و بر این باورند که اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که مردم در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط است که فشارهای غیر قابل اجتناب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر آن‌ها وارد می‌کند.

۴-۶. مرکز ثقل امنیت

امنیت در سطح فردی، خارج از دستور کار امنیتی می‌باشد و امنیت اجتماعی، موردی است که در آخرین تجدید نظرهای صورت گرفته در چارچوب سطوح امنیت از سوی مکتب کپنهاک، مورد پذیرش قرار گرفته است. بوزان در دهه ۹۰ میلادی به همراه

آل ویور، دیدگاه امنیت اجتماعی را به عنوان مؤثرترین شیوه جهت فهم موضوع امنیت مطرح نمودند و هدف مرجع امنیت اجتماعی را مسأله «هویت» عنوان داشتند. از نظر آن‌ها امنیت اجتماعی، جایگزین امنیت ملی نمی‌شود، بلکه بیشتر مرکز تجزیه و تحلیل امنیت قرار خواهد گرفت. «امنیت ملی» ثقل امنیت می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

۵-۶. شاخص مخلین امنیت

دنیای سیاست، دنیای واقعیت‌هایی است که یکی از این واقعیت‌ها، انسان‌هایی هستند که به عنوان مخالف و یا موافق یا بی‌طرف در هر نظامی از صدر اسلام تا حال وجود داشته و دارند. فرض، این است که در یک حکومت دینی و اسلامی، مخالف ناحق و باطل است و هر فردی با هر اعتقاد سیاسی، مخلوق خداوند بوده و از این ناحیه، دارای حرمت می‌باشد. مهمترین گوهری که خداوند تعالی در خلقت انسان، به او عطا فرمود، «کرامت انسانی» است. این ویژگی مهم که خداوند افتخار دارا بودن آن را فقط به اشرف مخلوقات خود داد، موجب تمایز انسان از سایر موجودات گردید و تمام فرشتگان، مأمور شدند در برابر این کرامت، سر تعظیم فرود آورند. حضرت علی ۷ بر این عقیده است که خضوع، خشوع و سجده فرشتگان در برابر انسان، به سبب کرامت او بود و به تعبیر دیگر، فرشتگان در برابر کرامت انسان به سجده افتادند (بقره، ۳۴) و موجودی که در برابر این کرامت، سر تعظیم فرود نیاورد، از درگاه الهی رانده شد و دشمن خدا و بشریت قلمداد گردید.

در نامه حضرت علی ۷ به مالک اشتر، بیشترین تأکید بر «ناس» که تمام انسان‌ها از هر ملیت، نژاد، صنف و مذهب را در بر می‌گیرد، که عموم مردم‌اند، و رعیت به عنوان شهروند، و عامه به معنی همگان، و عبادالله به معنی بندگان خدا و در یک مورد هم، هم‌نوع تو در خلقت آمده است. به اعتقاد امام علی ۷ حاکمان و حکومت باید نگرش انسانی و عام به شهروندان داشته باشند. امام علی ۷ تمام شهروندان جامعه‌ی اسلامی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: دسته اول که مسلمان هستند و برادر دینی حاکمان به شمار می‌روند و دسته دوم که مسلمان نیستند ولی در آفرینش همانند حاکمان هستند و انسان‌اند.

از منظر حضرت علی ۷، صرف انسان بودن افراد را در یک جامعه کافی می‌داند که باید بر مبنای آن حقوق انسانی و شهروندی آنان که یکی از آن‌ها امنیت است تأمین شود. شاخص پایدار و مستقل به عنوان انسان که تحت هیچ شرایطی از بین نمی‌رود و جزء ماهیت و ذات موجودیت آن است، که همه چیز با وجود او ایجاد می‌شود. حضرت علی ۷ خطاهای مردم را به سه دسته تقسیم می‌کند، دسته اول، نادیده گرفتن حقوق الهی و شریعت است، که منجر به حد می‌شود؛ دوم نادیده گرفتن حقوق مردم و ظلم نسبت به سایرین است که باید متخلفان مجازات و حقوق بازگردانده شود. در این دو مورد، حاکم

و حکومت اختیاری از خود ندارد و موظف به اجرای قوانین و احکام الهی است. چنان که خود حضرت علی ۷ به این امر تصریح دارند. دسته سوم، خطاهایی خارج از این دو حوزه است و مواردی را شامل می‌شود که مردم در مقابل نظام سیاسی و حاکم انجام می‌دهند، و این خطاها به حدی است که عرفاً به نظام سیاسی جواز می‌دهد مرتکبان را که همان متخلفان‌اند، مجازات کند، و حضرت علی ۷ در اینجا از والی خود می‌خواهد که از اصل اخلاقی «عفو» و «بخشش» سود برد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و روح حاکم بر این قانون «آزادی و کرامت انسانی» متبلور این نکته است. حضرت علی ۷ از باب رسالت دینی و حکومتی «مجادله حسن» و هدایت را دنبال می‌نمود. وقتی عبدالله بن عمر از بیعت خودداری کرد، حضرت به او فرمود: «ضامنی بیاور که دست به اغتشاش نخواهی زد» و با گروه خوارج که از مخالفان حضرت علی ۷ بودند، سعی کرد با منطق و استدلال، توهّمات و اشتباهات آن‌ها را بر طرف سازد. اگرچه آن‌ها دارای تشکیلات شدند و به صورت علنی در حد بیان و نه توسل به خشونت به ترویج عقاید خویش پرداختند، تا زمانی که دست به شمشیر بردند و مقابله با آن‌ها صورت پذیرفت. [اصل خشونت، در مقابل خشونت و همان عملیات جبرانی است]. در اصل بیست و ششم قانون اساسی، فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و اقلیت‌های دینی شناخته شده را آزاد می‌داند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و یا در اصل بیست و هفتم، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشند، آزاد می‌شمارد.

۶-۶. شاخص مخالفان

معیار الزام‌های اخلاقی، دیدگاه و عملکرد حضرت علی ۷ در دوران حکومت اوست. منظور از مخالفان، افراد یا گروه‌هایی از شهروندان یک جامعه هستند که با اصل حکومت یا برخی از اصول، ساختار و یا روش‌های اعمال شده از سوی نظام حاکم موافق نیستند و این عدم توافق را در طیف بین «حداقل» اعتقاد قلبی تا «حداکثر» بیان آن بدون توسل به خشونت و اقدام عملی اظهار می‌دارند. رهبر معظم انقلاب در باب کرامت انسانی و غیر مجرم می‌فرمایند: «هر نظامی که در آن، بی‌گناهان بترسند که مبدا مورد تعرض قرار بگیرند و گناهکاران عمده، احساس آسایش و آرامش کنند، آن نظام، نظام منحرفی است»^۱. حضرت علی ۷ می‌فرماید: «با کسی به جنگ خواهم پرداخت که به مخالفت با من بر می‌خیزد و دشمنی آشکار کند و در برابر من بایستد. البته تا هنگامی که او را بخوانم و با او بحث کنم و استدلال‌های او را بشنوم. اگر استدلالی نداشت و از پذیرش

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.

سختی حق سر زد و با ما سر جنگ داشت به یاری خدا با او پیکار می کنیم. ممکن است منظور ایشان، از آشکار کردن مخالفت و دشمنی، اقدام مسلحانه و خشونت آمیز، علیه مردم و امنیت باشد. حضرت هشدار می دهند که مبدا پایه های قدرت و حکومت خود را با ریختن خون به ناحق محکم کنی که ریختن خون به ناحق خود موجب تضعیف و تزلزل قدرت و حکومت می شود. تأکید حضرت علی ۷ بر عدم خونریزی تا جایی است که در نامه به مالک اشتر یعنی بزرگترین و وفادارترین یار خود می نویسد: «اگر کسی را به ناحق کشتی، پیش من و خدا عذری نداری و باید قصاص شوی».

۶-۶-۱. شاخص های برجسته معاندین و مخلین امنیت

به مخالفت خشونت آمیز برخاستن؛
دشمنی خود را آشکار کردن و اعلام نمودن؛
در برابر حاکم حق به ناحق ایستادن؛
جنگ داخلی راه انداختن؛
اقدامات مسلحانه انجام دادن؛
اقدام خشونت آمیز علیه مردم و امنیت عمومی؛
قصد و نیت براندازی نظام را داشتن.
اما مقابله با اقدامات مخل امنیت، تأمین امنیت است که شاید بتوان مسأله امنیت را مهمترین مسأله و دغدغه اسلام برای انسان در تمام زندگی و حیات او دانست.

۶-۷. گفتمان علوی

از نظر لغوی «علوی» منسوب به علی ۷، از نسل علی ۷، کسی که از اولاد حضرت علی بن ابی طالب ۷ باشد»، معنی شده است (فرهنگ عمید، ۱۳۷۷). «گفتمان علوی» در مفهومی عام و کلی یعنی توجه داشتن به سیره و روش زندگی حضرت علی ۷ در تمامی ابعاد، به ویژه دوران زمامداری و حکومت آن حضرت که با عناوین «حکومت علوی» و «مدیریت علوی» از آن یاد می شود. از نگاهی دیگر، گفتمان علوی، سیره مولای متقیان امام علی ۷ و روش های مدیریت و رهبری آن حضرت است که از خطبه ها و نامه های امام در کتاب سترگ نهج البلاغه می توان به دست آورد. نهج البلاغه که مجموعه ای از سخنرانی ها، نامه ها و گفتارهای نغز مولای متقیان، علی ۷ است، کتابی سرشار از اندیشه های مدیریتی به شمار می آید و بسیاری از قوانین، روش ها و فنون اداره جامعه و اصول مدیریت و رهبری را از عبارت های پر محتوای آن می توان استخراج کرد (آذر دشتی، ۱۳۸۶: ۴). از جمله فرازهای درخشان نهج البلاغه، فرمان تاریخی علی ۷ به مالک اشتر نخعی است که با گذشتن چهارده قرن از صدور آن، همچنان به عنوان یک منشور

حکومت‌داری جاودانه، در تاریخ و فرهنگ اسلامی باقی مانده است.

۷. ابعاد امنیت پایدار از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

۷-۱. از دید قرآن

در قرآن کریم، امنیت در معانی مختلف «متضاد خوف و ترس» (نور، ۵۵؛ نساء، ۸۳)، «از صفات بهشت» (حجر، ۴۶؛ سبأ، ۳۷) و «به عنوان نعمت الهی که در صورت ایمان به خدا و اجتناب از ظلم و انجام عمل صالح، به انسان هدیه می‌گردد و موجب آرامش آن می‌شود» (قصص، ۵۷؛ طه، ۱۱۲). در قرآن به سطوح مختلفی از امنیت اشاره دارد که از سطح فردی تا سطوح بین‌المللی را در برمی‌گیرد. در جدول شماره ۱ به برخی از این آیات، اشاره می‌نماییم.

جدول شماره ۱- امنیت در قرآن (فراستخواه، ۱۳۷۵)

فرآوانی کاربرد	سوره و آیه	موضوع	شماره
۶ مورد	۱۲۶ بقره، ۹۷ آل عمران، ۳۵ ابراهیم، ۱۱۲ نحل، ۸۲ حجر، ۱۴۶ شعراء	ایمنی عمومی در سرزمین	۱
۲ مورد	۴ قریش، ۵۵ نور	ایمنی از ترس و وحشت	۲
۳ مورد	۹۹ یوسف، ۱۸ سبأ، ۶ توبه	امنیت افراد در جامعه	۳
۳ مورد	۱۱ یوسف، ۶۴ یوسف، ۳۱ قصص	امنیت جانی	۴
۲ مورد	۲۸۳ بقره، ۷۵ آل عمران	امنیت دارایی و ثروت و امانت	۵
۹ مورد	۸ و ۹۷ اعراف، ۴۵ نحل، ۶۸ اسراء، ۱۶ ملک، ۱۷ ملک، ۹۹ اعراف، ۱۰۷ یوسف	امنیت از سوانح و بلایا	۶
۱ مورد	۹۱ نساء	امنیت بین الملل	۷
۲ مورد	۱۹۷ بقره، ۲۳۹ بقره	امنیت انجام عبادات و مناسک	۸

در بیان دیگر، امنیت در قرآن را سنت الهی و نعمت تفسیر می‌کنند و درباره ویژگی‌های آن می‌گویند: «عنصر نخست اینکه امنیت گویای سنت الهی است و نعمتی است که مردم بدان آزموده می‌شوند. دوم اینکه، امنیت حالت آگاهانه است. سوم، طبیعت به عنوان احساس یا درک، مستلزم موجود زنده- انسان یا غیر انسان- است و از این رو، اسلام تأکید دارد که زندگی انسان و موجودات دیگر که به تسخیر خدمت و منفعت انسان در آمده‌اند، در پوشش امنیت قرار گیرند. چهارم، از آن جایی که امنیت حالتی آگاهانه است، اطمینان و

عدم توقع ناگواری در آینده در آن نهفته است. پنجم، همان گونه که امنیت هیچ گاه از زمان حال و آینده جدا نمی شود از مکان نیز جدا نمی گردد و برای درک اهمیت اعتبار مکان به عنوان عامل اساسی در امنیت، باید به تفسیر علت اعطای صفت «امنیت» به برخی اماکن مقدس که خدا آن ها را حرم امن یا سرزمین امن نام نهاده است توجه نمود» (مرادی، ۱۳۸۵: ۲۶۹). پیوند ناگسستنی کلمه «امن» که در قرآن ۸۹۷ بار تکرار شده است (۳۸۵ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی دیده شده است)، حاکی از اهمیت موضوع امنیت از دیدگاه مکتب اسلام و کتاب آسمانی قرآن می باشد. این کلمه با مفاهیم متعدد در روایات و ادعیه های اسلامی و شیعی نیز به وفور یافت می شود (روحانی، ۱۳۶۸: ۳۷۲).

۷-۲. از دید نهج البلاغه

در پژوهشی که انجام شده است شیوه های راهبردی مردمی کردن امنیت در نهج البلاغه را بررسی نموده اند که در ذیل به آن ها اشاره می نماییم:

- ایجاد عدالت و رفاه عمومی؛
- آموزش صحیح ایمنی بخشی به آحاد مردم؛
- اشاعه فرهنگ متعالی اسلام به صورت همه جانبه برای داشتن امنیت پایدار؛
- ریشه کن ساختن ناامنی ها با امر به معروف و نهی از منکر؛
- نهادینه نمودن اتفاق به عنوان ارزشی انسانی برای پر کردن شکاف طبقاتی؛
- ضابطه دار کردن تسهیلات اجتماعی و خدمات ذفاهی مردم جامعه موجبات ایجاد پایداری امنیت می شود؛
- مشارکت مردمی که نشان دهنده جامعه پویا است کمک شایانی به ایجاد و حفظ امنیت پایدار می کند؛
- التزام عملی به دستورات قرآن و سنت نبوی ۹، صورت فزاینده ای را برای مردم به ارمغان می آورد؛
- التزام عملی به تقوا در تمام ابعاد جامعه، بارزترین وجه رسیدن به امنیت پایدار است (آجرلو و دیگران، ۱۳۸۹). شاخص ها، فرصت ها، تهدیدها و راهبردهای امنیت پایدار در نهج البلاغه را می توان در جدول شماره ۲ به طور خلاصه بیان نمود.

جدول شماره ۲- شاخص ها، فرصت ها، تهدیدات و راهبردها امنیت پایدار در نهج البلاغه

ردیف	شاخص	فرصت ها	تهدیدها	راهبرد
۱	هویت دینی	جامعه اسلامی	بی دینی	احیای ارزش های دینی
۲	عملی شدن دستورهای دینی	پایدار شدن راستی و امنیت	آشکار شدن نفاق	التزام عملی به فرامین دینی

ردیف	شاخص	فرصت‌ها	تهدیدها	راهبرد
۳	فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر	فریضه دینی	افسار گسیختگی افراد در حوزه عمل	حمایت افراد و ارگان‌ها از این فریضه
۴	هبه و بخشش	ارزش انسانی	دنیا مداری	سهل‌گیری بر افراد جامعه از سوی کارگزاران
۵	عدالت	به سامان کردن امور	هرج و مرج	تلاش در پی اجرای عدالت
۶	ضابطه‌دار کردن تسهیلات	تحت کنترل بودن	احساس ناامنی	شناسنامه‌دار کردن خدمات اجتماعی و رفاهی
۷	سرعت در امداد رسانی	آرامش فکری	بی‌اعتمادی به خدمات اجتماعی	افزایش نیرو و سرعت در امداد رسانی
۸	مسلمان بودن	امنیت دیگران	عدم امنیت در دیگران	التزام عملی به اصول اسلام

۸. مؤلفه‌های امنیت پایدار در عهدنامه مالک اشتر

در میان آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و نظام‌نامه‌های حکومتی و مدیریتی، هیچ متنی با عهدنامه مالک، قابل مقایسه نیست. این عهدنامه که طولانی‌ترین پیمان‌نامه‌ای است که از جانب امیرمؤمنان علی ۷ نگاشته شده، دربرگیرنده اساسی‌ترین مباحث در حکومت و مدیریت است. آموزه‌های امیرمؤمنان علی ۷، آموزه‌های انسانی است که سراسر عقل و بینش است و بر مبنای خردی عمیق و دیدی نافذ به مباحث حکومت و مدیریت پرداخته و آنچه را بر آن اساس دریافته، عرضه نموده است تا جویندگان را همواره راهنما باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۵) امیرمؤمنان علی ۷ در این آموزه‌ها کوشیده است تا زمامداران و مدیران را آئین حکومت و مدیریت بیاموزد، تا این که زمامداری را جان دیگر دهد و حکومت و مدیریت را به سوی کمال آن راه نماید و نخل و درخت آن را میوه‌دار گرداند (همان: ۳۶). یکی از دغدغه‌های حضرت علی ۷ امنیت و راه‌های کسب و تأمین آن بوده است و نکات ارزشمندی را در این خصوص ارائه نموده‌اند. با مطالعه منابعی که به بررسی ابعاد مختلف عهدنامه مالک - از جمله امنیت - پرداخته‌اند، مهمترین مؤلفه‌های کسب و ارتقای امنیت پایدار به شرح زیر می‌باشد:

۸-۱. رحمت‌گرایی و مهرورزی (مردمداری)

مهرورزی، یکی از شیرین‌ترین و دلپذیرترین مفاهیم و واژه‌های زندگی بشر است. دوست داشتن و محبوب بودن، هر دو مورد علاقه، محبوب و مطلوب انسان‌هاست. مهرورزی، نه تنها

در روابط انسانی دارای ارزش است، بلکه ریشه در مهرورزی الهی دارد. انسان و جهان، مروهون و مدیون مهرورزی خدا هستند و بدون رحمت الهی، نه مخلوقی وجود دارد و نه خلقتی، نه پیام آوری ظهور می کند، نه کتابی از آسمان نازل می گردد و نه انسان، راهی به سوی زندگی می یابد. در حکومت و مدیریت حق مدار، اصل بر رحمت و محبت است و خاستگاه همه روابط و مناسبات همین است. انسان ها را جز با رحمت و محبت نمی توان به درستی مدیریت کرد و به سوی اهداف حکومتی و سازمانی راه برد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). امام علی ۷ در تمام نامه ها، فرمانداران و استانداران خود را نسبت به حقوق اجتماعی مردم و باز پس گرفتن حق محرومان از ستمکاران سفارش می کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم داری، ابراز محبت و لطف نسبت به رعیت و مردم دستور می داد. حضرت به استاندار مصر، مالک اشتر نخعی، هنگام گسیل ایشان به آن دیار، فرمان می دهد، با مردم با کمال ملاطفت و مهربانی برخورد کند، به مالک اشتر نوشت:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ؛»؛ قلب خویش را نسبت به ملت خود، مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آن ها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو هستند و یا انسان هایی همچون تو.

این محور پیام امام، خطاب به والی مصر و نماینده دولت است. دولت، مظهر قدرت و قهر و غلبه است و چه بسا در مواردی بی جا، از قدرت قهریه و خشونت، بهره وری می نماید. امام با صدور این پیام، این چنین قوه مدیریت جامعه را به عطوفت و مهربانی و تجلی این ارزش، فرا می خواند و به گونه ای این ارزش را متبلور می نماید که جامعه دینی و غیر دینی را پوشش می دهد و به صورت فراگیر، فرمان مهربانی صادر می کند. جامعه دینی، تبلور مهربانی است و خشونت در نهاد سیاسی اسلام و ارزش های اجتماعی دینی، جای پاندارد. حضرت علی ۷ در نامه ۲۷ به محمد بن ابی بکر، شیوه های مردم داری و رعایت حقوق اجتماعی انسان ها را این گونه تذکر می دهد:

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَ أَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَيَاسَ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَالْكَبِيرَةِ، وَالظَّاهِرَةِ وَالْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنْ يَعْذِبُ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ، وَإِنْ يَغْفِرُ فَهُوَ أَكْرَمُ؛»؛ بال های محبت را برای آن ها بگستر (با مردم فروتن باش) نرم خو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش، در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو، طمع نکنند و ناتوان ها در

عدالت تو، مایوس نگردند؛ زیرا خداوند از شما بندگان، درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان، پرسش می کند؛ اگر کیفر دهد، شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد، از بزرگواری اوست.

بنابراین، امیرمؤمنان علی ۷ مناسبات و روابط انسانی را معطوف به سه عنصر اصلی کرده است: رحمت، محبت و لطف. همچنین زمامداران و مدیران را با بیانی تأکیدی، از درنده خوئی و شیفتگی به آن و جرأت بر دریدن حرمت و حقوق مردمان، پرهیز داده است.

۸-۲. گذشت و بزرگواری

لازمة اداره درست امور، داشتن ظرفیت وسیع و تحمل و حوصله فراوان و گذشت و بزرگواری است. در اندیشه حکومتی و مدیریتی علی ۷، بهترین وسیله اداره امور، داشتن گشادگی سینه و پُر ظرفیتی و پاک بودن از تنگ نظری و کم ظرفیتی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). امیرمؤمنان علی ۷، بخشش گرایی را در زندگی و حکومت داری، اصلی بنیادی دانسته و بنای روابط و مناسبات حکومتی را بر اساس آن، اعلام داشته و خطاب به مالک نوشت:

«يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلْلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ، وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطَا، فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ، فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ، وَ إِلَى الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَاكَ»؛ مردمان چنین اند که گاه از آن ها لغزش و خطا سر می زند. ناراحتی هایی به آنان عارض می گردد. به دست آنان عمداً یا به طور اشتباه، کارهایی انجام می شود، (در این موارد) از عفو و گذشت خود، آن مقدار به آن ها عطا کن که دوست داری خداوند از عفویش به تو، عنایت کند؛ زیرا تو مافوق آن ها و پیشوایت، مافوق تو، و خداوند، مافوق کسی است که تو را زمامدار قرار داده است.

انسان ها پیوسته در معرض لغزش و نادرستی اند و دانسته و نادانسته کارهایی می کنند که زمامداران را خوش نمی آید و اگر قرار باشد، لغزش ها و نادرستی های مردمان را که دانسته و نادانسته انجام داده اند، نبخشند و نگذرند، جامعه را در اضطراب و خشونت و ناامنی فرو می برند. همان طور که ملاحظه شد، رهنمود امام علی ۷ این است که در برابر دانسته ها و از سر عمدها نیز بنابر بخشش و گذشت و نادیده گیری و گناه پوشی است (همان: ۱۵۵).

۸-۳. شفاف سازی در مسائل حکومتی و مدیریتی

اسلام، اعتماد متقابل مسئولین و مردم به یکدیگر را یکی از ارکان حیاتی حکومت می شناسد و معتقد است که حاکم و مردم، بدون چنین اعتمادی، قادر به ادامه حیات اجتماعی نخواهند بود. همان طور که حاکم باید نسبت به مردم، اعتماد و حسن ظن داشته باشد، ضروری است که مردم نیز نسبت به حاکم، اعتماد و حسن ظن داشته باشند. از این رو، هر گاه مسائلی بر

مردم مشتبه شد، حاکم، وظیفه دارد تا مردم را در جریان قرار دهد و با توجیه اصولی و منطقی، اذهان امت اسلام را روشن، اعتمادشان را جلب و ابهامشان را مرتفع سازد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). چنانچه سازوکار اداره امور به گونه ای تنظیم شود که همه چیز شفاف باشد و به محض ظهور خلاف و تباهی، آشکارسازی شود و حتی در صورت گمان ستمی، مسائل آشکار و بی پرده در میان گذاشته شود، امور زمامداری و مدیریت به سامان می گردد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۶۱۰): «وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَأُصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ وَأَعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِأُصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَإِعْذَارًا تَبْلُغُ فِيهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ»، و هرگاه رعایا نسبت به تو، گمان بد ببرند، افشاگری کن و عذر خویش را در مورد آنچه موجب بدبینی شده، آشکارا با آنان در میان گذار، و با صراحت، بدبینی آن ها را از خود برطرف ساز، چه اینکه این گونه صراحت، موجب تربیت اخلاقی تو، و ارفاق و ملاطفت برای رعیت است و این بیان عذر، تو را به مقصودت در وادار ساختن آن ها به حق می رساند. حکومت و مدیریت امام علی ۷ این گونه بود، شفاف و به دور از هر گونه ناراستی، پنهان کاری، دروغ گویی و فریب کاری. امیرمؤمنان علی ۷ بنای حکومت و مدیریت را بر صراحت و روشنی و شفاف سازی می داند، چنان که در آغاز حکومت خویش در سخنی با مردم، روش حکومت داری و مدیریت را این گونه بیان کرد: «به خدا سو گند به اندازه سرسوزنی حقیقتی را پنهان نداشته ام و هیچ گونه دروغی به زبان نیاورده ام» (همان: ۶۱۰).

۸-۴. اجازه انتقاد و اعتراض

هیچ حکومت و مدیریتی، بی ایراد و اشکال نیست، و هیچ سازمانی، بدون نقد، سالم نمی ماند و راه به مقصد نمی برد. شاخصه سلامت اجتماعی و صحت مدیریتی این است که فضای انتقاد و اعتراض در آن گشوده باشد و همه چیز و همه کس، قابل نقد باشد و امکان انتقاد و اعتراض وجود داشته باشد. برای اینکه فضای انتقاد و اعتراض گشوده شود و اداره شوندگان به راحتی بتوانند سخن بگویند، نقد کنند و اعتراض نمایند (همان: ۵۵۵-۵۵۶)، امیرمؤمنان علی ۷ برنامه ای با مشخصات زیر را به مالک فرمان داده است:

«وَأَجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ «لَنْ تُقَدَّ سَأْمَةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ. ثُمَّ احْتَمَلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ، وَنَحْنُكَ الضِّيقَ وَالْأَنْفَ، يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ»؛ برای مراجعان خود، وقتی مقرر کن که به نیاز آن ها شخصاً رسیدگی کنی. مجلس عمومی و همگانی برای آن ها تشکیل ده و درهای آن را بر روی هیچ کس نبند و به خاطر خداوندی

که تو را آفریده، تواضع کن و لشکریان و محافظان و پاسبانان را از این مجلس، دور ساز تا هر کس با صراحت و بدون ترس و لکنت، سخنان خود را با تو بگوید؛ زیرا من بارها از رسول خدا ﷺ این سخن را شنیدم «ملتى که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت نگیرد، هرگز پاک و پاکیزه نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند. سپس خشونت و کندی آن‌ها را در سخن، تحمل کن. در مورد آن‌ها، هیچ‌گونه محدودیت و استکبار، روادار که خداوند به واسطه این کار، رحمت و اسعش را بر تو گسترش خواهد داد و موجب ثواب اطاعت او برای تو خواهد شد. از ویژگی‌های حاکم مردمی این است که مردم را از خود می‌داند و خود را از مردم. بر این اساس، حاضر نیست بین خود و مردم مانع و حجاب ایجاد کند، بلکه در صدد است با مردم و در کنار مردم زندگی نماید و شرایطی را ایجاد نماید که همه اقشار بتوانند به دور از هر گونه تشریفات، در محیطی خالی از رعب و وحشت، مسائل و مشکلاتشان را مطرح کنند.

۸-۵. عیب‌پوشی

هیچ انسانی، خالی از عیب و مصون از خطا و لغزش نیست و از هر انسانی، کم و بیش می‌توان نقاط ضعفی به دست آورد و مستمسک آلودگی‌اش قرار داد. از لوازم اساسی مدیریت و رهبری انسانی و مبتنی بر سلامت رفتاری، نفی عیب‌جویی و طرد عیب‌جویان است. در فضای ناسالم عیب‌جویی، چیزی به نام پاسداشت حقوق انسانی و پیوندهای ایمانی و روابط قلبی معنا نمی‌یابد و مدیریت و رهبری، فارغ از نفی عیب‌جویی و طرد عیب‌جویان، جز به تباهی راه نمی‌برد. از این رو، بیان امام علی 7 در نفی عیب‌جویی و عیب‌جویان، به گونه‌ای است که نشان دهنده اهمیت موضوع و لزوم پایبندی شدید به آن است:

«وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلَبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ»؛ باید آن‌ها که نسبت به رعیت عیب‌جو ترند از تو دور تر باشند؛ زیرا مردم، عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب، از همه سزاوارتر است. در صدد مباش که عیب‌پنهانی آن‌ها را به دست آوری، بلکه وظیفه تو، آن است که آنچه برای ظاهر گشته، اصلاح کنی و آنچه از تو مخفی است، خدا درباره آن حکم می‌کند. بنابراین، تا آنجا که توانایی داری عیوب مردم را پنهان ساز تا خداوند عیوبی را که دوست داری برای مردم فاش نشود، مستور دارد.

عیب‌پوشی، نیازی همگانی است؛ زیرا هر غیر معصومی، عیب‌هایی پوشیده دارد که نباید آن‌ها تجسس شود و آشکار گردد، به‌ویژه از جانب زمامداران و مدیران. در حکومت و مدیریت، هیچ‌کس اجازه تجسس در امور شخصی و افشای مسائل پنهانی فردی کسی را ندارد. ورود در زندگی خصوصی اشخاص و تجسس در آن، سلامت و امنیت جامعه را به

شدت مختل می‌سازد و چیزی از اعتماد و همکاری و روابط انسانی باقی نمی‌گذارد. در این میان، مهمترین کسانی که باید عیب‌پوشی را سرلوحهٔ همت خود قرار دهند، زمامداران و مدیران اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

۸-۶. رسیدگی به محرومان

آن‌هایی که بنا به دلایل مختلف، در طبقهٔ پایین جامعه قرار دارند و جزء مستمندان، نیازمندان، تهیدستان و از کار افتادگان قرار می‌گیرند، به سامان آوردن و تأمین این طبقه، حقی است بر عهده حکومت اسلامی که نیازمند برنامه‌ای عدالت‌محور و جامع می‌باشد. اگر به وضع این گروه از جامعه، رسیدگی نشود، برای جامعه، خطر آفرین و خواری‌زا است. این طبقه از مردم، نیازمند توجه جدی هستند، از این‌رو، امیرمؤمنان علی ۷ با تأکید دربارهٔ آنان یادآور شده است:

«ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى، مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُحْتَاجِينَ، وَأَهْلَ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ غَلَّتْ صَوَافِي الْأِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى، وَكُلُّ قَدِ اسْتَرْعَيْتَ حَقَّهُ، فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ. فَإِنَّكَ لَا تُعْذِرُ بِتَضْيِيعِ التَّافَةِ لِاحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهِمِّ»؛ خدارا، خدارا، در مورد طبقهٔ پایین، آن‌ها که راه چاره ندارند. یعنی مستمندان و نیازمندان و تهیدستان و از کار افتادگان. در این طبقه، هم کسانی هستند که دست سؤال دارند و هم افرادی که باید به آن‌ها بدون پرسش، بخشش شود. بنابراین به آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده عمل نما. قسمتی از بیت‌المال و قسمتی از غلات خالصه‌جات اسلامی را در هر محل، به آن‌ها اختصاص ده، و بدان آن‌ها که دورند به مقدار کسانی که نزدیکند، سهم دارند و باید حق همهٔ آن‌ها را مراعات کنی. بنابراین، هرگز نباید سرمستی زمامداری، تو را به خود مشغول سازد (و به آن‌ها رسیدگی نکنی)، چرا که هرگز به خاطر کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی، از انجام‌نشدن کارهای کوچک، معذور نیستی. دولت، موظف است به همهٔ گروه‌های طبقهٔ فرودین با توجه به نیازمندی‌هایشان، رسیدگی کند و دربارهٔ هیچ یک، فروگذاری ننماید و گرفتاری‌ها و درگیری‌های حکومتی و اداری، سبب نشود که از رسیدگی به آنان، فروماند و نباید آن را از وظایف اساسی خود، بیرون بداند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۵۴۱).

«فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ، وَتَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعُيُونُ، وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لِأَوْلَيْكَ ثَقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَاضُعِ، فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ تَلْقَاهُ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرَّعِيَةِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ. وَكُلُّ فَاَعْذِرْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي تَأْدِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ»؛ نباید دل از آن‌ها برگیری و چهره

به روی آنان، در هم کشی، در امور آن‌ها که به تو، دسترسی ندارند و مردم به دیده تحقیر به آن‌ها می‌نگرند، بررسی کن و برای این کار، فرد مورد اطمینانی را که خدا ترس و متواضع باشد، برگزین تا وضع آنان را به تو گزارش دهد، سپس با آن گروه، به طوری رفتار کن که به هنگام ملاقات پروردگار، عذرت پذیرفته باشد، چراکه از میان رعایا، این گروه از همه، به احقاق حق محتاج‌ترند و باید در ادای حق تمام افراد، در پیشگاه خداوند، عذر و دلیل داشته باشی.

۸-۷. شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی

وجود نظام شایسته‌سالار در هر کشور، باعث دوام، مقبولیت و مشروعیت حکومت می‌شود. نظام شایسته‌سالار، نظامی است که در آن، افراد مناسب در مکان و زمان مناسب منصوب شده و از ایشان، بهترین استفاده در راستای اهداف فردی، سازمانی و اجتماعی به عمل آید. شایسته‌سالاری، در حقیقت به کارگیری فرد مناسب در حرفه مناسب بر اساس تجربه، علم و دیگر موازین تعریف شده است. در یک نظام شایسته‌سالار، همه چیز و همه کس در جای خود قرار دارند و در یک نظم خردمندانه و پایدار، گردش امور صورت می‌گیرد و هیچ چیز بیرون از قاعده نمی‌باشد (همان: ۵۰۲). امام علی ۷ در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، به خوبی به این نکته اشاره می‌نماید:

«ثُمَّ انْظُرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ، فَوَلِّ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ، وَاخْصُصْ رَسَائِلَكَ الَّتِي تَدْخُلُ فِيهَا مَكَائِدُكَ، وَأَسْرَارُكَ بِأَجْمَعِهِمْ لَوْجُودِ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ مِمَّنْ لَا تَبْطُرُهَا الْكَرَامَةُ، فَيَجْتَرِي بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافٍ لَكَ بِحَضْرَةِ مَلَاوٍ لَا تَقْصُرُ بِهِ الْغَفْلَةُ عَنْ إيرادِ مَكَاتِبَاتِ عَمَّالِكَ عَلَيْكَ، وَإِصدارِ جَوَابَاتِهَا عَلَى الصَّوَابِ عَنْكَ، فَيَمَّا يَأْخُذُ لَكَ وَيُعْطَى مِنْكَ، وَلَا يُضَعِفُ عَقْدًا اعْتَقَدَهُ لَكَ، وَلَا يَعْجِزُ عَنْ إِطْلَاقِ مَا عَقَدَ عَلَيْكَ، وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ، فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ يَكُونُ بِقَدْرِ غَيْرِهِ أَجْهَلَ»، سپس در وضع منشیان و کارمندان، دقت کن و کارهایت را به بهترین آن‌ها بسپار و نامه‌های سری و نقشه‌ها و طرح‌های مخفی خود را در اختیار کسی بگذار که دارای اساسی‌ترین اصول اخلاقی باشد، از کسانی که موقعیت و مقام آن‌ها را مست و مغرور نسازد که در حضور بزرگان و سران مردم، نسبت به تو مخالفت و گستاخی کنند و در اثر غفلت در رساندن نامه‌های کارمندان به تو و گرفتن جواب‌های صحیحش از تو، کوتاهی ننمایند، خواه در اموری باشد که از طرف تو دریافت می‌دارند و یا از سوی تو می‌بخشند، باید قراردادهایی که برای تو تنظیم می‌کنند، سست و آسیب‌پذیر نباشد، و هرگاه قراردادی به زیان تو باشد، از یافتن راه حل عاجز نمانند و نسبت به ارزش و منزلت خویش ناآگاه و بی‌اطلاع نباشند که شخص ناآگاه از منزلت خویش، از ارزش و مقام دیگری ناآگاه‌تر خواهد بود.

نظام شایسته‌سالاری، نظامی است که در آن، مزایا و موقعیت‌های شغلی، تنها بر اساس شایستگی و نه بر مبنای جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت یا ثروت به افراد تفویض می‌شود.

شایسته‌سالاری، دیدگاهی است که بر اساس آن، شهروندان از طریق نظام آموزشی مدرسه‌ای و دانشگاهی و با تلاش و کوشش فراوان استعدادهای خود را شکوفا کرده و در نهایت، در جامعه، فارغ از طبقه اجتماعی، ثروت، نژاد، قومیت و جنسیت، برای تصدی مناصب مختلف، تنها بر اساس شایستگی ذاتی برگزیده می‌شوند. علی ۷ به مالک توصیه می‌کند که شناخت‌های شخصی خود را ملاک انتخاب قرار ندهد، بلکه علاوه بر معیار گذشته، موارد زیر را نیز در نظر داشته باشد:

«ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِيَارَكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ، وَاسْتِنَامَتِكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ، فَإِنَّ الرِّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوُلَاةِ بِتَضَنُّعِهِمْ وَحُسْنِ خِدْمَتِهِمْ، لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَالْأَمَانَةِ شَيْءٌ، وَلَكِنْ اخْتَبَرَهُمْ بِمَا وَلُوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ، فَأَعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانِ فِي الْعَامَّةِ أَثَرًا، وَأَعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا، فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَلِمَنْ وُلِّيتَ أَمْرَهُ»؛ سپس در انتخاب این منشیان، هرگز به فراست و خوش بینی و خوش گمانی خود، تکیه مکن؛ چرا که مردان زرنگ، طریقه جلب نظر و خوش بینی زمامداران را با ظاهر سازی و تظاهر به خوش خدمتی خوب می‌دانند، در حالی که در ماوراء این ظاهر جالب، هیچ گونه امانت داری و خیر خواهی وجود ندارد. بلکه آن‌ها را از طریق پست‌هایی که برای حکومت‌های صالح پیش از تو داشته‌اند، بیازمای؛ بنابراین، بر کسانی اعتماد کن که در میان مردم، خوش سابقه‌تر و در امانت‌داری معروفند، و این خود، دلیل آن است که تو برای خدا و کسانی که والی بر آنان هستی، خیر خواه می‌باشی. برای سامان یافتن نظام شایسته‌سالار، لازم است کلیه مسئولان در تمام مراتب بر اساس توانایی و کارایی‌شان انتخاب و در جای مناسبشان، قرار گیرند و ملاحظات دیگر، در این سازوکار دخیل نباشد. مدیر شایسته، مدیری است که با صلاحیت و کارآمدی و با کفایت باشد.

۸-۸. انصاف‌ورزی

در اندیشه و سیره حکومتی و مدیریتی امام علی ۷، انصاف‌ورزی از خود با شدت آغاز می‌شود و گستره آن، نزدیکان و وابستگان را در بر می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۲۲). آن حضرت در نامه خویش به مالک، چنین فرمود:

«أَنْصِفِ اللَّهَ وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمِنْ خَاصِّهِ أَهْلِكَ، وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمٌ»؛ با خداوند به انصاف رفتار کن و نسبت به مردم نیز چه از جانب خداوند خود و چه از جانب افراد خاص خاندان و خویشاوندان نزدیکت و چه از جانب رعایایی که بدان‌ها علاقه و گرایش مخصوص داری، انصاف را رعایت کن. اگر چنین نکنی، ستم خواهی کرد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۳۰).

چهره زمامداری بدون انصاف، چهره‌ای زشت و بد منظر است، و زیبایی و مقبولیت هر مدیریتی، به میزان انصاف‌ورزی در آن است و نیز عامل ایجاد دوستی و الفت میان اداره‌شوندگان

و اداره‌کنندگان است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

«الْأَنْصَافُ يَأْلِفُ الْقُلُوبَ» (آمدی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۲۳۰)؛ انصاف، دل‌ها را پیوند و الفت می‌دهد.

«الْأَنْصَافُ يَسْتَدِيمُ الْمَحَبَّةَ» (همان: ۲۶۹)؛ با انصاف با مردم سلوک کردن، دوستی ایشان را پاینده دارد.

رعایت انصاف در اداره امور، مخالفت‌ها را می‌زداید و قلب‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و راه‌های سخت را هموار می‌سازد، چنان‌که از امام علی ۷ وارد شده است که:

«الْأَنْصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَيُوجِبُ الْإِثْلَافَ» (همان: ج ۳، ص ۳۰)؛ انصاف ورزیدن، مخالفت مردمان را می‌زداید و موجب الفت ایشان می‌شود.

انصاف در رابطه با مردم، یعنی که حق هر کسی همان‌گونه که هست، ادا شود و حقوق هر انسانی، به‌طور کامل و به‌گونه‌ای مساوی رعایت گردد. همچنین حاکم، نایستی اجازه بدهد که نزدیکان وی، به‌اتکای اینکه از طرف حاکم حمایت می‌شوند، نسبت به مردم بی‌انصافی کنند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۳۱). انصاف‌ورزی در حکومت و مدیریت، تنها شامل زمامداران و مدیران نمی‌شود، بلکه گستره آن، نزدیکان و وابستگان رانیز در بر می‌گیرد؛ زیرا اگر چنین گستره‌ای در انصاف‌ورزی لحاظ نشود و بر آن تأکید نگردد و پاسداری نشود، بی‌گمان انواع تجاوزها و ستمگری‌ها روی می‌دهد (همان: ۲۲۱).

۸-۹. استقرار عدالت (رعایت عدالت)

هدف انبیای الهی، بالاخص رسول گرامی اسلام ۹، استقرار عدالت و برقراری قسط در جامعه بشری بوده است. علی ۷ نیز استمرار دولت و پایداری یک نظام را در اجرای عدالت و استقرار قسط می‌شناسد و مالک را تشویق می‌کند ضمن برقراری عدالت، با مردم نیز دوستانه عمل نماید (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۶۹). دادگری در حکومت و مدیریت، هدفی اساسی و بنیادی است و هیچ چیز چون آن، حکومت و مدیریت را سامان نمی‌بخشد و استوار نمی‌سازد. یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های حکومت علوی، تحقق واقعه عدالت است و امام ۷ حکومت را برای تحقق عدالت، از جمله استیفای حقوق پذیرفت. عدالت‌ورزی از دید امام، مایه روشنی چشم زمامداران و نفوذ محبت آن‌ها در مردم و استحکام حکومت می‌شود. برقراری عدالت به تعبیر امام، اقامه حدود الهی است که در سایه آن همه چیز احیاء شده و راست می‌گردد. به باور ایشان، نقش عدالت، چنین است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۵۰). اهمیت برقراری عدالت در نزد امام علی ۷ تا بدان جاست که آن حضرت، خطاب به مالک، فرموده است:

«وَإِنْ أَفْضَلَ قَرَّةَ عَيْنٍ الْوَلَاةُ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ، وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ، وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَةِ مَعْلَى وَلَاةِ أُمُورِهِمْ، وَقِلَّةِ اسْتِقَالِ

دُولِهِمْ، وَ تَرَكَ اسْتِبْطَاءَ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ»؛ (بدان) برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه رعایا نسبت به آن‌ها است. اما مودت و محبت آنان، جز با پاکی دل‌هایشان نسبت به والیان، آشکار نمی‌گردد. و خیرخواهی آن‌ها، در صورتی مفید است که با میل خود، گرداگرد زمامداران را بگیرند و حکومت آن‌ها برایشان سنگینی نکند و طولانی شدن مدت زمامداری‌شان برای این رعایا، ناگوار نباشد. «مسأله مهم در سیره علی 7، این است که ایشان، هیچ‌وقت جهت حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت، عقب ننشسته‌اند، بلکه برعکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت و حفظ نظام و مایه روشنایی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم می‌دانند. اگر زمامداران، عادل پیشه باشند، قلب‌ها به سوی آنان، جذب و عقده‌ها از دل‌ها، گشوده می‌گردد و این، خود تضمین‌کننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم او با ملت است. عدل محوری نظام سیاسی، باعث می‌شود مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود، راه‌های منطقی انتخاب و طی نمایند. علی 7 معتقدند که هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند و عدل، چنان سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد. اما مهمترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه، متبلور می‌شود؛ چرا که عدل، سبب انتظام امور مردم و جامعه می‌باشد و هیچ چیز به اندازه عدالت، نمی‌تواند مردم را اصلاح نماید. اجرای عدالت، مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌نماید و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی، صنعتی) تأثیر به‌سزایی دارد (همان: ۲۵۷-۲۵۸).

۸-۱۰. پاسداشت حقوق گروه‌های اجتماعی (توجه به همه گروه‌های اجتماعی)

از دیدگاه علی 7، گروه‌های مختلف جامعه، از یک پیکر تشکیل شده و سرنوشت مشترک دارند، خواه ناخواه از اعمال یکدیگر متأثر می‌شوند. بر همین اساس، آن حضرت، مالک را به شناخت دقیق اصناف و طبقات جامعه و توجه به سلامت هر یک از آنان، دعوت می‌نماید: «وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ»؛ (ای مالک)، بدان مردم از گروه‌های مختلف تشکیل یافته‌اند که هر کدام، جز به وسیله دیگری، اصلاح و تکمیل نمی‌شوند، و هیچ کدام از دیگری، بی‌نیاز نیستند.

سپس امیر مؤمنان علی 7 با برشماری این گروه‌ها (سپاهیان، دبیران و نویسندگان، قاضیان، مالیات دهندگان، بازرگانان و صنعتگران، نیازمندان و مستمندان)، از پیوستگی و ارتباط طبقات جامعه، سخن می‌گوید و برای هر یک، جایگاهی مشخص و معین در کتاب خدا و سنت رسول خدا می‌شناسد و نقش هر یک را در روند تکاملی جامعه، معرفی می‌کند: «وَكُلٌّ قَدْ سَمَّى اللَّهُ سَهْمَهُ وَوَضَعَ عَلَى حَدِّهِ فَرِيضَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ عَهْدًا مِنْهُ عِنْدَنَا مَحْفُوظًا وَفِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ، وَلِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ؛ برای هر کدام از این گروه‌ها، خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا، یا سنت پیامبر ﷺ که به صورت عهد در نزد ما محفوظ است، این سهم را مشخص و معین ساخته است و برای هر کدام به خاطر خدا، سهمی مقرر داشت و نیز هر یک از نیازمندان، به مقدار اصلاح کارشان بر والی حق دارند.

در دیدگاه امام علی ۷، قوام هر یک از طبقات اجتماع، بسته به قوام طبقه دیگر است. هیچ طبقه‌ای، از وجود طبقه دیگر، بی‌نیاز نیست و اگر بخواهد موجودیت خود را حفظ کند، بایستی در نگهداری موجودیت طبقه دیگر، تلاش نماید؛ چرا که در جامعه، بدون قوای مسلح، امنیت نیست و هرگاه امنیت نباشد، تجارت و کشاورزی، مختل است و بارکود تجارت و انحطاط کشاورزی، هرگز مالیاتی نیست که بودجه نیروهای مسلح و تسلیحات نظامی، تأمین گردد. کار والیان و قضات نظارت دائم بر تنظیم فعالیت‌های مختلف اجتماعی است. اگر نظارت دقیق آنان، صورت نگیرد، جامعه دچار فتنه و آشوب خواهد شد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۶۰). بنابراین، لازم است هر یک از گروه‌های اجتماعی، از امنیت لازم برای زندگی و کار و نیز رفاهیت مناسب، بهره‌مند باشد و بر هیچ گروهی، ستمی روا نگردد، تا زندگی و کار هر یک به سامان رسد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۳۷۳).

۸-۱۱. نظارت بر بازار (تنظیم بازار)

گروه‌ها و سازمان‌های اقتصادی، نقشی مهم در اقتصاد و تجارت دارند؛ با این حال، نباید از خطر آسیب‌های اقتصادی، غافل بود. این گروه‌ها و سازمان‌ها، مایل هستند که دارای چنان قدرت اقتصادی باشند که قیمت کالاها را بر اساس منافع بیشتر برای خود تعیین و به جامعه، تحمیل نمایند و یا با ایجاد انحصار و کنار زدن رقیب، به راحتی، اعمال قدرت نمایند. از این رو، لازم است حکومت، ضمن بسترسازی برای فعالیت‌های سالم اقتصادی، بر روابط و مناسبات اقتصادی و بازار کالا و خدمات، نظارتی دقیق و مستمر داشته و با فراهم نمودن امنیت اقتصادی، امنیت پایدار را بر جامعه، حاکم نماید. با توجه با این نکات است که حضرت علی ۷ در فرمان خود به مالک فرمودند:

«وَأَعْلَمُ - مَعَ ذَلِكَ - أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَ شَحًّا قَبِيحًا، وَ اخْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضَرٌّ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ، فَامْنَعْ مِنَ الْاِخْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنَعَ مِنْهُ؛ اما بدان با همه آن چه گفتیم، در میان آن‌ها گروهی تنگ‌نظر و بخیل، آن هم به صورت قبیح و زشت آن می‌باشند، که همواره در پی احتکار مواد مورد نیاز مردم و تسلط یافتن بر تمام معاملات هستند، و این موجب زیان توده مردم و عیب و ننگ بر زمامداران است. از احتکار به شدت جلوگیری کن که رسول خدا ﷺ از آن منع فرمود.

از نظر امرمؤمنان علی ۷، ماهیت مناسبات در بازار، زمانی مطلوب است که گردش اقتصادی، دادوستد، خرید و فروش، روابط و معاملات به آسانی و روانی صورت پذیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۵۲۰). بر همین اساس، به مالک فرمان می‌دهد برای اجناس، نرخ‌گذاری کند و تجار را در آزادی مطلق قرار ندهد و با این روش و با مجازات محکمران و انحصار طلبان، از سوءاستفاده‌های آنان، جلوگیری نماید (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

«وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْنَهُمَا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ، وَأَسْعَارٍ لَا تُجَحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ وَعَاقِبْ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ»؛ باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد، با موازین عدل و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار؛ و هرگاه، کسی پس از نهی تواز احتکار، به چنین کاری دست بزند، او را کیفر کن و در مجازات او بکوش، ولی این مجازات، نباید بیش از حد باشد.

فراهم آوردن رفاه و آسایش و تحقق کفاف در زندگی، برای تمامی اقشار اجتماع، از اهداف اساسی حکومت علوی بوده که زمینه‌ساز تعالی و بالندگی معنوی می‌گردد. امام ۷ در حیطه حکومت خود، حداقل نیاز معیشتی همگان را تأمین کرد و در راه فقر زدایی و تأمین معیشت، گام‌های جدی برداشت. در هر حال امام ۷ به رفاه عمومی، توجهی تام داشت و عمران و آبادی سرزمین‌ها و تأمین شرافتمندانه و کرامت‌مدارانه مردمان را از اهداف حکومت می‌دانست و همچنان که در عهدنامه مالک آمده است، حکومت را از ایجاد تنگنا و در مضیقه اقتصادی گذاشتن افراد، بر حذر می‌داشت و ضمن تلاش برای تأمین رفاه افراد تحت حکومت، به مالک توصیه می‌کند کارکنان دولتی را از حیث مالی، مستغنی کند تا به فسادهای مالی آلوده نشوند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

۸-۱۲. نظارت، بازرسی و پیگیری

نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولان و بازرسی امور و پیگیری کارهای انجام شده، انجام نشده و درست انجام نشده از مهمترین اموری است که باید در هر سازمان به درستی صورت گیرد، تا نظام امور از گردشی سالم و استوار برخوردار گردد و کجی‌ها و ناراستی‌ها به موقع شناخته و اصلاح شود. هیچ سازمانی، بدون نظارت، بازرسی و پیگیری، نمی‌تواند به سوی اهداف سازمانی خود سیر کند و بدان‌ها نائل شود. سلامت و صلابت هر سازمان، در گرو نظارت، بازرسی و پیگیری است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۶۲). نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران، موجب سلامت کارگزاران و مدیران و دستگاه‌های اجرایی خواهد شد، که دلگرمی و دل‌بستگی مردم را به همراه داشته و موجب امنیت و ثبات کشور خواهد شد. در سایه نظارت است که میزان موفقیت دستگاه‌ها و ارگان‌ها، ارزیابی و با برنامه‌ها تطبیق داده می‌شود. بازرسی، نظارت، حسابرسی و حساب‌کشی، نشان‌دهنده صحت و سلامت کارها و

پیشرفت امور در انجام دادن وظیفه و شایستگی و بایستگی مسئولان ذیربط است. این کار از طریق بازرسی و کنترل به صورت سازمان‌یافته، بازرسی و کنترل به صورت موردی و با بازرسان ویژه و مخصوص، بازرسی و کنترل توسط افراد دیگر (اشخاص متعهد) و گزارش‌های مردمی، بازرسی و کنترل توسط مردم، پذیرش نظارت عمومی مردم، تأکید بر اصل شفافیت و پاسخ‌گویی، تأکید بر اصل مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، تأکید بر اصل نظارت و اقتدار قضایی، تأکید بر اصل پیشگیری، تأکید بر برخورد با ریشه فساد و تأکید بر اصل الگوسازی و ارائه اسوه‌های کارآمد و نقش رهبری شایسته در جامعه اسلامی عملی خواهد بود (همان، ۱۳۸۱: ۳۰۲-۳۰۱). بیان امیرالمؤمنین ۷ در این رابطه، مانند سخنان همیشه آن حضرت، از استواری و اتقان خاصی برخوردار است و بهترین و آموزنده‌ترین درس‌ها را در خود دارد:

«ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لَأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَفُّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ»؛ سپس با فرستادن مأموران مخفی راستگو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر؛ زیرا بازرسی مداوم پنهانی، سبب می‌شود که آن‌ها به امانت‌داری و مدارا کردن به زیردستان، ترغیب شوند. اعوان و انصار خویش را سخت، زیر نظر بگیر؛ اگر یکی از آن‌ها دست به خیانت زد و مأموران سری تو، متفقاً چنین گزارشی را دادند، به همین مقدار از شهادت، قناعت کن و او را زیر تازیانه کیفر بگیر و به مقدار خیانتی که انجام داده، او را کیفر نما؛ سپس وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و نشانه خیانت را بر او بنه و گردن‌بند ننگ و تهمت را به گردنش بیفکن (و او را به جامعه چنان معرفی کن که عبرت دیگران گردد).

هرگاه زمامدار، مراقب اعمال و رفتار کارگزاران و مأموران دولتی نباشد، دور نیست که افرادی از آن‌ها به سوءاستفاده از منصب و مسئولیت خود بپردازند و با ظلم و تعدی به مردم و دستیازی به خیانت و بی‌عدالتی و فساد، مردم را نسبت به حکومت، مأیوس و بدبین سازند و نظام جامعه از هم بپاشند. لذا برای جلوگیری از این وضع، مراقبت و نظارت دائمی بر کارهای مأموران، ضرورت دارد و برای نیل بدین منظور، برقراری یک نظام بازرسی دقیق و مطمئن که گزارش‌های صحیح و قابل اعتماد درباره کارمندان به زمامدار ارائه دهند، از جمله وظایف حاکم است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۸۳). تأکیدار زشمندامام ۷ بر اعزام بازرسان به دورترین نقاط بلاد اسلامی و کسب خبر از رفتار و کردار کارگزاران و خدمت‌گزاران مردم و در جریان امور قرار گرفتن رهبر جامعه اسلامی و شایستگی بازرسان مأموران حکومتی و برخورد قاطع با خائنان و فاسدان، همه، درس‌های آموزنده‌ای است که امروز نیز ضروری و بدیع می‌نماید. تعبیر رسا و روشن‌کننده و آموزنده امام ۷ در رابطه با بازرسان و شرایط و ویژگی‌های

لازم برای آنان و نیز تعبیر به «وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ» می‌رساند که در صورت لزوم، اعزام بازرسان از مرکز و یا از یک منطقه دیگر، امری ضروری است. جالب‌تر از این، فرمان حضرت ۷ به لزوم بازرسی مخفی آن هاست: «فَإِنَّ تَعَاهُذَكَ فِي السِّرِّ لَأُمُورِهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ». جمله نخست نیز که امام ۷ می‌فرماید: «ثُمَّ تَفْقَدُ أَعْمَالَهُمْ» کاوش و پیگیری و جست و جو و مراقبت و مانند آن را می‌رساند. نکته دیگر آن است که واژه «تفقّد» در چند بخش از این فرمان مبارک، تکرار شده که نشان‌دهنده حوزه‌های مختلف کاری و نظارتی است: نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و نظارت بر مالیات و دخل و خرج کشور و بودجه عمومی و بیت‌المال و تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری و آبادانی و عمران و نظارت بر بازار و توزیع و مبادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی و رسیدگی به کلیه امور مربوط به بازرگانان و صنعتگران و کسبه و تجار و خدمات مربوط (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۳۲۰).

۹. نتیجه‌گیری

تأمین امنیت، اساسی‌ترین نیاز کنونی جوامع بشری است و پیوندی عمیق و ناگسستنی با شکوفایی و رشد و توسعه نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها برقرار ساخته است. در واقع، امنیت در زمره اهداف و منافع ملی و ارزش‌های اصولی به شمار می‌آید. اسلام برای امنیت، اهمیت ویژه‌ای قائل است و حفظ و تأمین آن را از وظایف دولت اسلامی می‌داند. قرآن کریم، به عنوان اولین متون اسلامی، «امنیت» را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و حکومت صالحان می‌داند. علاوه بر آیات متعدد قرآنی، در بیشتر منابع و متون دینی هم می‌توان مطالبی درباره امنیت پیدا کرد. در نهج البلاغه که پس از قرآن کریم، دارای مقام و منزلتی رفیع و بی‌رقیب می‌باشد، امام علی ۷ تأمین امنیت و آرامش در جامعه را از اهداف والای امامت و حکومت صالحان می‌شمارد و در خطبه ۱۳۱ می‌فرماید: حکومت را بدان جهت پذیرفتم تا در شهرهای تو، اصلاح و آسایش برقرار سازیم و بندگان ستم‌کشیده‌ات، احساس امنیت نمایند. آن حضرت، وظیفه حکومت را سه چیز اعلام می‌دارد: ۱. اصلاح اهل ۲. عمران بلاد ۳. حفظ ثغور. اصلاح اهل، یعنی ترقی و تعالی انسان‌ها و نسل‌های آدمی. عمران بلاد نیز توسعه و ترقی عمدتاً مادی سرزمین اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. سومین وظیفه حکومت، حفظ ثغور یعنی حفظ مرزهای کشور است (شمس اردکانی، ۱۳۶۵: ۹۸).

بانگاهی دقیق‌تر به نامه ۵۳ در می‌یابیم که امنیت، فقط حفظ ثغور و حدود مرزها نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم دیگری وجود دارد که حکومت اسلامی باید به آن‌ها توجه کند تا امنیت بلاد و کشور اسلامی، گسترش یافته و به پایداری بیانجامد. مهرورزی، یکی از شیرین‌ترین و دلپذیرترین مفاهیم و واژه‌های زندگی بشر است. دوست داشتن و محبوب بودن، هر دو مورد علاقه، محبوب و مطلوب انسان هاست. مهرورزی، نه تنها در روابط انسانی دارای ارزش است،

بلکه ریشه در مهرورزی الهی دارد. انسان‌ها را جز با رحمت و محبت نمی‌توان به درستی مدیریت کرد و به سوی اهداف حکومتی و سازمانی راه برد. لازمه اداره درست امور، داشتن ظرفیت وسیع و تحمل و حوصله فراوان و گذشت و بزرگواری است. و بخشش‌گرایی در زندگی و حکومت‌داری، اصلی بنیادی است. شفاف‌سازی در کارها موجب اعتماد متقابل مسئولین و مردم به یکدیگر بوده و حاکم و مردم، بدون چنین اعتمادی قادر به ادامه حیات اجتماعی نخواهند بود. از آن جایی که هیچ حکومت و مدیریتی، بی‌ایراد و اشکال نیست، شاخصه سلامت اجتماعی و صحت مدیریتی این است که فضای انتقاد و اعتراض در آن گشوده باشد و همه چیز و همه کس، قابل نقد باشد و امکان انتقاد و اعتراض وجود داشته باشد. از طرفی، هیچ انسانی، خالی از عیب و مصون از خطا و لغزش نیست، لذا از لوازم اساسی مدیریت و رهبری انسانی و مبتنی بر سلامت رفتاری، نفی عیب‌جویی و طرد عیب‌جویان و پاسداشت حقوق انسانی و پیوندهای ایمانی است. در جامعه، طبقات مخلفی وجود دارد که حاکم باید به همه آن‌ها توجه داشته باشد، آن‌هایی که بنا به دلایل مختلف، در طبقه پایین جامعه قرار دارند و جزء مستمندان، نیازمندان، تهی‌دستان و از کارافتادگان قرار می‌گیرند، به سامان آوردن و تأمین این طبقه، حقی است بر عهده حکومت اسلامی که نیازمند برنامه‌ای عدالت‌محور و جامع می‌باشد. این موارد، زمانی محقق خواهد شد که نظامی شایسته‌سالار، برقرار گردد؛ وجود نظام شایسته‌سالار، باعث دوام، مقبولیت و مشروعیت حکومت می‌شود.

از لوازم اساسی حکومت و هر حاکمی در برخورد با آحاد جامعه، انصاف‌ورزی است. چهره زمامداری بدون انصاف، چهره‌ای زشت و بد منظر است و زیبایی و مقبولیت هر مدیریتی، به میزان انصاف‌ورزی در آن است و عامل ایجاد دوستی و الفت میان اداره‌شوندگان و اداره‌کنندگان است. در کنار آن، به استغفار عدالت و برقراری قسط در جامعه باید توجه فراوانی نمود. امام علی ۷ استمرار دولت و پایداری یک نظام را در اجرای عدالت و استقرار قسط می‌شناسد، چون موجب سامان بخشیدن و استواری حکومت و مدیریت می‌شود. از دیدگاه حضرت علی ۷، گروه‌های مختلف جامعه، از یک پیکر تشکیل شده و سرنوشت مشترک دارند، خواه ناخواه از اعمال یکدیگر متأثر می‌شوند. بر همین اساس، حکومت باید این اصناف و طبقات جامعه را به درستی و دقیق بشناسد. از مسائل حیاتی هر جامعه، اقتصاد آن می‌باشد و دستگاه حکومتی، باید توجه ویژه به آن بنماید و از خطر آسیب‌های اقتصادی غافل نباشد. از این‌رو، لازم است حکومت ضمن بسترسازی برای فعالیت‌های سالم اقتصادی، بر روابط و مناسبات اقتصادی و بازار کالا و خدمات، نظارتی دقیق و مستمر داشته و با فراهم نمودن امنیت اقتصادی، امنیت پایدار را بر جامعه حاکم نماید. تمامی مواردی که ذکر شد، زمانی به سامان می‌رسد که نظارتی دقیق همراه با پیگیری مستمر برقرار باشد. نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد کارگزاران موجب سلامت کارگزاران و مدیران و دستگاه‌های اجرایی خواهد شد،

که دلگرمی و دلبستگی مردم را به همراه داشته و موجب امنیت و ثبات کشور خواهد شد. این نکات و دستورهای امیرمؤمنان ۷ برای همیشه تاریخ، از استواری و اتقان خاصی برخوردار است و بهترین و آموزنده‌ترین درس‌ها را در خود دارد.

۱۰. پیشنهادها

آنچه که تحت عنوان مؤلفه‌های امنیت پایدار ذکر شد، حاوی ارزشمندترین و آموزنده‌ترین نکات مدیریتی و حکومتی است که مختص به زمان خاصی نبوده، در هر عصر و زمانی، قابل اجرا می‌باشد. از این رو، موارد زیر، پیشنهاد می‌گردد:

- الف) لحاظ نمودن آن در سرفصل‌های آموزشی دروس مدیریتی.
- ب) گشایش سرفصلی تحت عنوان شیوه‌نامه مدیریت مدیران عالی و ارشد نظام اسلامی، در باب تحکیم امنیت در ذیل مباحث نظام جامع مدیریت اسلامی.
- ج) تبدیل هر یک از مؤلفه‌های برشماری شده به موضوعات و عناوین پژوهشی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی.
- د) توسعه و تعمیق مؤلفه‌های ذکر شده، جهت افزایش ادبیات موجود.
- هـ) ارائه آن به دستگاه‌ها و سازمان‌های جهت عملیاتی نمودن و به کار بستن آن‌ها.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

قرآن کریم.

آجرلو، اسماعیل و همکاران (۱۳۸۹)، *فرهنگ عمومی اعتماد به نفس ملی در انقلاب اسلامی*، چاپ اول؛ تهران: دانشگاه امام صادق ۷.

آراسته، حمیدرضا و حسین‌پور، رضا (۱۳۸۹)، «*تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد مراکز پژوهشی دفاعی*»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، سال اول، شماره ۴، صص ۱۱۵ تا ۱۳۶.

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۰)، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*؛ تهران: دانشگاه تهران. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، *کالبد شکافی تهدید*؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.

ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، «*نسبت امنیت و نیروهای مسلح (رویکرد علوی)*»، فصلنامه مطالعات تاریخی - نظامی، سال اول، شماره ۵ و ۶، دانشگاه جامع امام حسین ۷.

بیگدلی، مرضیه (۱۳۸۸)، «*امنیت ملی در منابع دینی (قرآن و روایات)*»، نشریه حصون، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۸، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، *امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصول و مؤلفه‌ها*؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و اسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸)، *دلالت دولت، آئین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر*؛ تهران: انتشارات دریا.
- روحانی، محمود (۱۳۶۸)، *المعجم الإحصایی لألفاظ القرآن الکریم* (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم) (جلد ۱)؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
- سالار، محمد (۱۳۸۲)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه‌های امام خمینی ۱»، *مجله اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۶، صص ۱۱۱ تا ۱۳۵.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۶)، *نهج البلاغه*؛ مشهد: نورالمبین.
- شمس اردکانی، علی (۱۳۶۵)، «ملاحظه‌ای درباره امنیت ملی»، *مجله سیاست خارجی*، سال اول، شماره ۱.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۴)، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ هشتم؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۸۷)، *مجموعه کبیر از خاتم‌الأنبیاء ﷺ تا خاتم‌الأوصیاء (عج) نهج‌الفصاحه، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، صحیفه مهدیه*؛ قم: توسعه قلم.
- عباس‌زاده، هادی و کرمی، کامران (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهاردهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*؛ تهران: موسسه ابرار معاصر.
- عزتی، عزت‌اله و اقبالی، ناصر (۱۳۸۸)، «به سوی نظام امنیتی جدید در خلیج فارس»، *مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان*، دانشگاه آزاد واحد گرمسار؛ تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- علی‌اکبری، حسن (۱۳۸۹)، *مدیریت علوی، حکمت‌ها و آموزه‌های مدیریتی عهدنامه مالک اشتر*؛ قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۲)، *آئین کشورداری از دیدگاه امام علی ۷*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فرستخواه، مسعود (۱۳۷۵)، «ابعاد از دیدگاه اسلام و سایر ادیان»، *مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت، معاونت امنیتی وزارت کشور*.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها*؛ قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۸)، «تأثیر نظام‌های تابع بین‌المللی بر سیاست خارجی و الگوی مداخل گری قدرت‌های بزرگ»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۱۷.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۵۶)، *بحار الأنوار (جلد ۸۱)*، چاپ دوم؛ [بی‌جا]: دفتر اسلامیه.

مرادی، مجید (۱۳۸۵)، «ابعاد سیاسی مفهوم امنیت در اسلام»، مجله علوم سیاسی، شماره ۳۴.
 مظلوم، علی (۱۳۸۹)، «امنیت و امنیت ملی»، نشریه حصون، شماره ۱۹.
 نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی؛ تهران: انتشارات سنا.
 نوید نیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی:

Bernestineand, Bod Root, Todd Siler, Adam Brown and Kennetk Snelson (2011), "*Artscience: Integrative Collaboration to Create a Sustainable Future*", Leonardo, Vol. 44, No.3.
 Foster, Gergory, D, Luise (1999), *Wise, Sustaninable Security Harvard International Review*; 21,4; ABI/INFORM Global.